

# Governance requirements in the Islamic Republic of Iran to counter a hybrid warfare

Mohammad Hadi Raji 1

Ali Marandi2

## Abstract

The social sciences are undergoing a fundamental transformation under the influence of modern patterns and new communication technologies. As a result of this process, important social science concepts are also evolving under the influence of these changes. One of the most important evolved concepts is the concept of «war». Today's wars have gone beyond the classical models of warfare and have undergone fundamental changes in the complex process of social change; In a way, they have been transformed from the limited framework of «military war» to «hybrid warfare». Hybrid warfare, based on quantum transformations (the effect of the interaction of space and time on the network of political and social transformations) can invade and damage the governing environment of the target actor. The Islamic Republic of Iran, as one of the countries that has been complexly attacked by its enemies, must prepare itself to face the new generations of conflict by recognizing the new patterns of war. The present study seeks to identify the relationship between hybrid warfare and the concept of governance to process how to use hybrid warfare against Iran. The main question is what requirements should the IR of Iran consider in the face of hybrid warfare? The hypothesis of the research is that one of the main levels of application of hybrid war is at the level of governance and policy making. This research is developmental and applied and qualitative method has been used to analyze its data. The findings of the study indicate that the temporaryization of governance is considered as one of the most important goals of the enemies to complicate the Iranian governing environment and defeat it in a hybrid warfare. The space-oriented and quantum look at the phenomenon of governance and policy-making is considered one of the important requirements of governance in the face of the enemy's hybrid war.

**Key words:** Hybrid Warfare, Governance, Quantum Society Theory, Systems Theory, Short-Term Society Theory

---

1 Phd student of Imam Sadegh University, Tehran, Iran  
(mh.raji@isu.ac.ir)

2 Phd student of Imam Sadegh University, Tehran, Iran - Corresponding author

# بایسته‌های حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جنگ‌هیبریدی

محمدهادی راجی\*<sup>۱</sup>  
سید علی مرندی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

## چکیده

علوم اجتماعی تحت تأثیر الگوهای مدرن و فناوری‌های جدید ارتباطی در حال تحول اساسی است، به تبع این فرایند، مفاهیم مهم علوم اجتماعی نیز تحت تأثیر این تغییرات در حال تحول هستند. یکی از مفاهیم مهم تحول‌یافته مفهوم «جنگ» است. جنگ‌های امروزی از بستر سخت مدل‌های کلاسیک نبرد، فراتر آمده‌اند و در فرایند پیچیده تحولات اجتماعی دچار تغییرات اساسی شده‌اند؛ به صورتی که از چارچوب‌های محدود «جنگ نظامی» به الگوی «جنگ ترکیبی» تغییر شکل یافته‌اند. جنگ ترکیبی مبتنی بر تحولات کوانتومی (تأثیر برهم‌کنش فضا و زمان در شبکه تحولات سیاسی و اجتماعی) می‌تواند محیط حکمرانی، شناختی و سیاسی بازیگر هدف را مورد هجوم و آسیب قرار دهد. در این میان جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از کشورهایی که موردتهاجم دیرینه و متنوع دشمنان خود قرار داشته، می‌بایست با شناخت الگوهای جدید جنگ، خود را برای مقابله با نسل‌های نوین منازعه آماده سازد. تحقیق حاضر در پی آن است تا با شناسایی رابطه بین جنگ ترکیبی و مفهوم حکمرانی به پردازش چگونگی کاربرست جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران بپردازد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمنان باید چه الزاماتی را به کار گیرد؟ فرضیه تحقیق آن است که یکی از اصلی‌ترین سطوح کاربرست جنگ ترکیبی در سطح حکمرانی و سیاست‌گذاری جامعه هدف رقم می‌خورد. این تحقیق از حیث نوع، توسعه‌ای و کاربردی است و برای تحلیل داده‌های آن از روش کیفی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که موقتی‌سازی حکمرانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مزیت‌های دشمنان برای پیچیده‌سازی محیط حکمرانی ایرانی و به شکست کشاندن آن در جنگ ترکیبی محسوب می‌شود؛ در این راستا نگاه فضا محور و کوانتومی به پدیده حکمرانی و سیاست‌گذاری از جمله بایسته‌های مهم در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن محسوب می‌شود.

**واژگان کلیدی:** جنگ ترکیبی، حکمرانی، نظریه جامعه کوانتومی، نظریه سیستم‌ها، نظریه جامعه کوتاه‌مدت.



سال اول، شماره ۲،  
تابستان ۱۴۰۱  
بایسته‌های حکمرانی  
در جمهوری اسلامی  
ایران برای مقابله با  
جنگ هیبریدی

۱- دانشجوی دوره دکتری دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران - نویسنده مسئول

(mh.rajii@isu.ac.ir)

۲- دانشجوی دوره دکتری دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

(Ali.marandi1369@gmail.com)

## مقدمه

پیچیده شدن فضای علوم اجتماعی باعث پیچیده شدن فضای جنگ شده است. جنگ‌های مدرن ساحات مواجهه را در ابعاد نظری و عملی پیچیده کرده‌اند. جنگ ترکیبی به مثابه یکی از جنگ‌هایی که می‌توان آن را در زمره جنگ‌های مدرن مورد پردازش قرار داد توانایی آن را دارد تا با هجمه به بازیگران هدف به ایجاد اختلال در ساختارهای حکمرانی، تصمیم و رفتار ایشان منجر شود. جمهوری اسلامی ایران به مثابه یکی از کشورهایی که از دیرباز در معرض ابعاد مختلف جنگ و فشار قرار داشته است در زمان کنونی نیز مورد هجمه ترکیبی دشمنان قرار دارد. از این رو شناخت ابعاد و ویژگی‌های مختلف این جنگ و طراحی راه‌کارهای مقابله با آن از اهمیت زیادی برخوردار است. این مقاله در پی آن است تا با شناخت جنگ ترکیبی و رابطه آن با مفهوم حکمرانی به پردازش جنگ ترکیبی اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران بپردازد. پرسش اصلی این تحقیق آن است که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمنان چه الزاماتی را باید به کار گیرد؟ این تحقیق از نوع اکتشافی بوده و فرضیه آزما نیست. این مقاله از حیث نوع، توسعه‌ای و کاربردی محسوب می‌شود چراکه از سویی در پی بسط تعاملی و توأمان نظریات جنگ ترکیبی و حکمرانی است و از سویی دیگر با چالش‌های عملیاتی این میدان سروکار دارد.



سال اول، شماره ۲،  
تابستان ۱۴۰۱

بایسته‌های حکمرانی  
در جمهوری اسلامی  
ایران برای مقابله با  
جنگ هیبریدی

## ۱- پیشینه و نوآوری تحقیق

پژوهشگران مختلفی به صورت مستقل در باب «جنگ ترکیبی» و «حکمرانی» به تحقیق پرداخته‌اند. جنگ ترکیبی مفهومی نوین است که در سال‌های اخیر برجسته شده است. از جمله مهم‌ترین منابع در این عرصه می‌توان به آثار زیر اشاره داشت: «جنگ هیبریدی روسیه در کشورهای اروپایی؛ چرایی و چگونگی» (ثمودی پیلرود، ۱۳۹۹). در این اثر به بررسی اقدامات روسیه برای نائل آمدن به اهداف خود در چند سال گذشته به وسیله جنگ ترکیبی پرداخته شده است. همچنین در «منافع و آسیب‌های تاکتیک‌های جنگ ترکیبی برای ایران»، (دالتون، ۲۰۱۷) به منافع و مضرات استفاده ایران از ابزارهای منازعه ترکیبی پرداخته شده است.

در «رویکرد آمریکا به جنگ هیبریدی علیه جمهوری اسلامی ایران»، (شکری، ۱۳۹۸) به بررسی رویکردها و روش‌های آمریکا در نبرد ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. در رساله دکتری با عنوان جنگ ترکیبی روسیه و الحاق کریمه: کاربرد مدرن جنگ سیاسی شوروی (دبندیکدیس، ۲۰۱۹) به بررسی و پردازش ادبیات جنگ ترکیبی و نقش آن در الحاق کریمه به روسیه و بررسی چارچوب‌های این جنگ پرداخته شده

است.

در موضوع حکمرانی، ادبیات پژوهش از گستره بیشتری برخوردار است و در این باب در حوزه‌های گوناگون تحقیقات میسوطی صورت گرفته است؛ در میان انبوه مقالات نوشته‌شده در باب حکمرانی، یک سنخ از مقالات از نوع توصیفی هستند و وضعیت حکمرانی را در موضوع خاصی، بررسی می‌کنند. مقاله «تحلیل درک کیفیت حکمرانی در ایران»، (ساعی و روشن، ۱۳۸۹) در این دسته قرار می‌گیرد. سنخ دیگری از آثار حوزه حکمرانی از نوع تجویزی‌اند، برای مثال مقاله «سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران: مسئله‌ها و بایسته‌ها»، (مرندی، ۱۴۰۰) در این زمره قرار می‌گیرد و نویسندگان در آن به تجویزهایی در حوزه حکمرانی سیاست خارجی می‌پردازد. برخی از مقالات توسعه‌ای هستند و اساساً مفهوم حکمرانی را مورد مطالعه قرار می‌دهند. مقاله «تحول در مفهوم حکمرانی؛ گذار از حکمرانی سنتی به حکمرانی مدرن الکترونیک»، (احمدی، مشهدی و عطریان، ۱۴۰۰) در این زمره قرار می‌گیرد. مقالات زیادی نیز در باب «حکمرانی خوب» به رشته تحریر درآمده است، مقاله «مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب»، (میدری، ۱۳۸۵) در این دسته قرار می‌گیرد. شماری از مقالات با رویکردی بومی به بررسی «حکمرانی دینی» می‌پردازند که در میان این آثار می‌توان به مقاله «ارائه الگوی حکمرانی خدامدار»، (بردبار، ضرابی‌زاده و صالحی، ۱۳۹۴) اشاره کرد. شماری از مقالات رویکردی مقایسه‌ای دارند، برای مثال مقاله «مطالعه نسبت مدل حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با مدل حکمرانی خوب»، (قجری و نوربخش، ۱۴۰۰) از این دسته است؛ در این میان اما نوآوری این پژوهش آن است که به نسبت یابی میان «جنگ ترکیبی» و «حکمرانی» در ساختار سیاسی- اجتماعی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و آن را مبتنی بر سه نظریه «جامعه کوتاه‌مدت»، «نظریه سیستم‌ها» و «نظریه جامعه کوانتومی» مورد پردازش قرار داده است.

## ۲- روش تحقیق

در این تحقیق برای تهیه و گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. رویکرد کلی این مقاله توصیفی و تحلیلی بوده و برای تحلیل داده‌ها ضمن استفاده از نظریات سیستم و پیچیدگی از روشی کیفی بهره می‌برد.

## ۳- مفاهیم تحقیق

در این قسمت سعی شده تا با تبیین مفاهیم محوری تحقیق به تحدید معنایی مفاهیم برای مخاطبان مبادرت شود.

### ۱-۳- جنگ ترکیبی

«جنگ ترکیبی» یا «جنگ هیبریدی» نوعی از جنگ است که در آن یکی از طرف‌های درگیر ساختار نیروهای خود را به نوعی بهینه کرده است

که از ترکیب تمام منابع موجود، متداول و هم غیرمتداول در یک زمینه و بستر فرهنگی منحصربه‌فرد استفاده کند تا اثرات خاص و هم‌افزایی در برابر یک رقیب متداول ایجاد نماید (سلیمانی، ۱۳۹۷، ص. ۱)؛ در واقع جنگ ترکیبی کاربست هم‌زمان و منسجم ابزارهای متنوع نبرد علیه آسیب‌پذیری‌های بازیگر هدف است به نحوی که موجب اختلال شناختی در ساختارهای تصمیم و ذهن بازیگر هدف شود (راجی و افتخاری، ۱۳۹۸). در جنگ هیبریدی، صحنه نبرد با استفاده از «ترکیبی از چندین ابزار متعارف و غیرمتعارف جنگی» (Munich Security Report، 2015، P. 35) مهیا می‌شود. کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۱۵، جنگ ترکیبی را ترکیبی از ابزارهای مختلف متعارف و غیرمتعارف جنگی معرفی کرده و هشت ابزار مختلف جنگ ترکیبی را به شکل زیر ترسیم نموده است.



شکل ۱: ابزارهای مختلف جنگ ترکیبی

## ۲-۳- حکمرانی

در فرهنگ لغت عمید، حکمران به معنای «حکومت، فرمانروایی» (عمید، ۱۳۸۹: ۴۶۰) معنا شده است. حکمرانی ترجمه واژه Governance در زبان انگلیسی است. مطابق گزارش «برنامه عمران ملل متحد» حکمرانی عبارت

است از اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور کشور در کلیه سطوح (UNDP Policy Document. 1997. P. 2)؛ بنابراین می‌توان بحث اساسی در حکمرانی را «اعمال قدرت» دانست (مرندی، ۱۴۰۰، ص. ۱۵۱). حکمرانی شامل تمام فرایندهای حاکمیت بر روی یک سیستم اجتماعی می‌شود (Bevir. 2012. P. 6) که از سه مؤلفه تشکیل شده است:

- ۱- فرآیند انتخاب، نظارت و جایگزینی دولت‌ها
- ۲- ظرفیت دولت برای تدوین و اجرای مؤثر سیاست‌های صحیح
- ۳- احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی بین آن‌ها حکومت می‌کنند. (Karaay. 1999. P. 1)

#### ۴- مبانی نظری

مفهوم «جنگ» در عصر جدید تحول و تطور زیادی یافته و سه اتفاق «پیمان وستفالی»، «جنگ سرد» و «گسترش اینترنت و فضای مجازی» تحولی شگرف در آن مفاهیم ایجاد کرده و آن را از شکل بسیط گذشته (که در آن مسائل نظامی غلبه چشم‌گیری داشت) به شکل پیچیده و چندوجهی امروزی درآورده است. این محصول جهان نوین باعث پیچیده‌تر شدن نظامات اجتماعی شده است. در این مفهوم نوین، «جنگ نظامی» به «جنگ ترکیبی» یا «جنگ هیبریدی» تغییر شکل داده است. نگاه سنتی به جنگ، رویکردی تک ساحتی داشت و جنگ را تنها از ساحت مسائل نظامی بررسی می‌کرد؛ حال آنکه «بوزان» در کتاب خود با عنوان «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت» سرشت امنیت را دارای پنج ساحت «نظامی»، «سیاسی»، «اقتصادی»، «زیست‌محیطی» و «جامعه‌گانی» دانسته و در کتابش آن را به تصویر می‌کشد (بوزان، ۱۳۹۱). در ایران نیز کتاب مرجع «سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» که مسائل و چالش‌های حوزه امنیت ملی را پیگیری می‌کند؛ در یازده محور مختلف مسائل امنیت ملی را دسته‌بندی کرده است؛ این محورها عبارت‌اند از: «سیاسی-امنیتی»، «حقوقی و قضایی»، «اجتماعی»، «فرهنگی»، «اقتصادی»، «زیرساخت و دارایی‌های حیاتی»، «زیست‌محیطی»، «نظامی-دفاعی»، «موضوعات و مسائل سیاست خارجی ایران»، «محیط پیرامونی» و «محیط منطقه‌ای». نکته مهم آن است که از ۸۴ مدخل این سال‌نما تنها ۶ مدخل آن ذیل محور «نظامی-امنیتی» سامان یافته است (سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تحولات راهبردی ۱۳۹۹، چشم‌انداز ۱۴۰۰). در این قسمت سعی شده تا با نگاه به این رویکرد تحولی و با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری جامعه کوانتومی، نظریه سیستمی و نظریه جامعه کوتاه‌مدت به تبیین مبانی نظری پژوهش و به ترسیم چارچوب تحقیق مبادرت شود.

#### ۴-۱- نظریه جامعه کوانتومی

نظریه جامعه کوانتومی مبتنی بر نظریه کوانتوم رواج پیدا کرد. این فرایند در افول فیزیک نیوتنی در تفسیر جهان مادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. رواج نظریات کوانتوم در پی افول نظریات نیوتنی باعث شد تا نظریات اجتماعی نیز تحت تأثیر قرار بگیرند. نظریه کوانتوم در واقع با عبور از نظم نیوتنی توانست بی‌نظمی ظاهری پست‌مدرنیسم را در چارچوب علمی مورد بحث و پردازش قرار دهد. رواج نظریه کوانتوم و سرایت آن به دانش اجتماعی باعث دگرگونی در توصیف واقعیت شد و اثرات وسیعی بر علوم اجتماعی و از جمله دانش منازعه به‌جای گذاشت (ونت، ۱۳۹۸، ص. ۳۷-۳۱). در فرایندهای کلاسیک، پدیده‌های اجتماعی و شاخه‌های منازعه از جمله جنگ بر اساس نگرش ثابت سیستمی و نیوتنی بنا یافته بود (Eidlin, 2015, P. 1). این موضوع از اواسط قرن بیستم دچار تحول شد؛ در واقع اگر نگرش نیوتنی با محوریت ثبات و خطی دیدن پدیده و مفاهیم اجتماعی از جمله جنگ قابل درک باشد، فیزیک کوانتومی در آشوب و غیرخطی دیدن پدیده، قابل پردازش است و می‌توان از دلالت‌های الگویی آن در دانش‌های اجتماعی، سیاسی و منازعه‌شناسی نیز بهره گرفت (Haven & Khrennikov, 2013, P. 84). از ویژگی‌های کوانتومی دیدن محیط می‌توان به تنیدگی شبکه‌ای، سیالت دائمی، بدیع بودن ترکیب فضا - زمان و ... اشاره کرد. پدیده‌های اجتماعی مبتنی بر نظریه کوانتوم در حال ارتباط پیچیده و دائمی با یکدیگر هستند. این برهم‌کنش دائمی و پویا باعث می‌شود، پدیده‌ها همواره در حال تغییر شکل و زایش باشند و همواره ابعاد جدیدی از پدیده رخ‌نمایی کند. جنگ ترکیبی نیز از این تحولات، بی‌نصیب نمانده است؛ در واقع جنگ ترکیبی از سویی در فضای شبکه‌ای دارای ارتباطات پیچیده بین عناصر و ابزارهای مختلف نبرد و برهم‌کنش با سایر ابعاد منازعه شده و از سویی دیگر دارای مدل‌های متداخل و تنیده‌ای در برهم‌کنش‌های روان‌پایه شده است. یکی از بهترین نظریات که می‌تواند پیچیدگی رویکردهای کوانتومی و تحولات ناشی از آن را در علوم اجتماعی مورد پردازش قرار دهد نظریه سیستم است. این نظریه از آن‌رو که با مدل مفهومی آشوب و کثرت مؤلفه‌ها کاربست پیدا می‌کند می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای مطالعات کوانتومی علوم اجتماعی و پردازش روش جنگ ترکیبی مورد توجه قرار بگیرد.

#### ۴-۲ - نظریه سیستم‌ها

نظریه‌پردازان سیستم به دنبال توضیح رفتار سیستم‌های چندبخشی هستند از نوع کارکرد یک وسیله ساده گرفته تا رایانه‌های پیشرفته هدایت و کنترل موشک و از سیستم اداره خانه گرفته تا مسائل پیچیده امنیتی و اجتماعی؛ در واقع تفکر سیستمی، رویکردی برای نگرستن به هستی و پدیده‌های مختلف محسوب می‌شود که در آن همه اشیای متنوع و پدیده‌ها با یکدیگر در ارتباطی معنا دار قرار دارند (Whitchurch & Constantine, 2009, P. 325).

می‌توان سیستم را به‌مثابه کل منسجم و هدفمندی دانست که با اتصال اجزای سازنده و وابسته‌اش به یکدیگر باعث تضمین جریان حرکت داده، انرژی و پویایی برهم‌کنش‌ها می‌شود. ظهور نظریه سیستم‌های عمومی یک انقلاب علمی در جریان علم به وجود آورد زیرا که منجر به تغییرات اساسی نظریات و رویکردها درباره پدیده‌های هستی و روابط بین آن‌ها شد. رویکرد سیستمی به معنای رویکردی کل‌نگر به کل مؤلفه‌ها و وضعیت برهم‌کنش آن‌ها و با درک نقش و عملکرد اجزای سازنده با در نظر گرفتن هرگونه ملاحظات مربوط به رفتارهای سیستمی که غالباً غیرخطی هستند اجرایی می‌شود و به محیط کوانتومی با دو مؤلفه مهم زمان و فضا وابسته هستند. اولین تلاش‌ها برای تبیین رویکرد سیستمی از مطالعات علوم تجربی و زیست‌شناسی و در نیمه اول قرن بیستم انجام شد. در آن زمان بدن انسان به‌عنوان یک سیستم پیچیده و بر اساس پیشنهادهای «لودویگ فون برتالانفی» مورد توجه قرار نگاه سیستمی گرفت. ادامه مطالعات سیستمی باعث سرایت روشمندی این موضوع در شاخه‌های دیگر علم از جمله دانش جنگ شد. در جنگ‌های مدرن می‌توان ترکیبی از ابعاد ذهنی و عینی و ترکیب ابعاد مختلف جنگ را مشاهده کرد که مبتنی بر ویژگی‌های هر هدفی از پویایی برخوردار بوده و با توجه به آسیب‌پذیری‌های جامعه هدف، بر ساخته و با الهام از تفکر سیستمی انباشتمند می‌شوند؛ در واقع محیط کوانتومی با دو عنصر مهم فضا و زمان، وضعیت شبکه‌ای و پویا پیدا می‌کند. در این محیط پیچیده، پدیده‌ها و مؤلفه‌های مختلف نبرد، دائماً در حال حرکت و برقراری پیوندهای بدیع، دردآور و زمینه‌مند و ایجاد برهم‌کنش با سایر پدیده‌های مرتبط برای حداکثر سازی آسیب و تعمیق گسست سیستمی هستند. در این حالت، پدیده اجتماعی و انواع مؤلفه‌های موجود در شبکه از جمله جنگ ترکیبی نمی‌توانند جدای از سایر ابعاد، منازعات و ابزارهای پدیده‌های دیگر مورد مطالعه قرار بگیرند. در این وضعیت، یکی از بهترین نظریه‌ها برای شناخت بهتر منطق کنش‌ها و رویدادهای پیچیده از جمله جنگ ترکیبی، رجوع به مطالعات و نظریات سیستمی و پویایی‌شناسی سیستم است. رویکرد تهاجم در جنگ ترکیبی مبتنی بر فرایند کوانتومی و سیستمی انجام می‌شود و نمی‌توان خارج از رویکرد سیستمی به آن پاسخ داد. در سیستم و در درون محیط کوانتومی، همه پدیده‌ها و آثارشان به هم مربوط است (Wendt, 2015, P. 149) و پدیده‌ها «توابع موجی رونده‌ای» محسوب می‌شوند که در تمامی فضای شبکه می‌توانند فعال باشند (محمودی کیا و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۳). جنگ ترکیبی مبتنی بر چارچوب کوانتومی در نهایت به دنبال آن است که بتواند با استفاده از مؤلفه‌های مختلف و ابزارهای متنوع جنگ و کاربست آن مبتنی بر نقاط ضعف بازیگر هدف، محیط بازیگر هدف را به‌طرف آشوب بکشاند و برای بازیگر هدف

ایجاد اختلال نماید. کوانتوم با غیرخطی دیدن فضای برهم‌کنش پدیده‌ها و با افزودن عناصر فضا و زمان به مطالعات پدیده، توانسته است رفتار آشوبناک را تحلیل و فرایند آشوبناک منازعات مدرن را فهم کند؛ از این رو کاربست نظریه کوانتوم برای شناخت منازعات مدرن و همچنین طراحی چارچوب‌های مواجهه با آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

سیستم‌ها در تقسیم‌بندی اولیه خود به دودسته کلی تقسیم می‌شوند: سیستم‌های ساده و سیستم‌های پیچیده. سیستم‌های ساده، عناصر کمی دارند و عملکردهای این دسته از سیستم‌ها خطی است. این سیستم‌ها دارای برنامه قابل پیش‌بینی و مشخصی هستند اما سیستم‌های دسته دوم یا سیستم‌های پیچیده از عناصر متنوع و مختلفی تشکیل شده‌اند و دارای عملکرد غیرخطی هستند. سیستم‌های پیچیده مرز نشین آشوب هستند زیرا که برهم‌کنش عناصر آن دائماً باعث خلق موقعیت و وضعیت جدیدی می‌شود و همچنین دارای بازخوردهای مبتنی بر حافظه عملیاتی، یادگیری خودکار و خودسازمان‌دهی هستند و در فعالیت‌های بلندمدت استفاده می‌شوند (Grabowski & Strzalka, 2008, P. 570-572). سیستم‌های پیچیده به دودسته تقسیم می‌شوند: سیستم‌های پیچیده تجزیه‌پذیر «Complicated» و سیستم‌های پیچیده غیرقابل تجزیه «Complex». در درون سیستم‌های دسته اول این امکان وجود دارد که با شناخت تک تک عناصر سیستم به صورت مستقل به آگاهی کلی از عملکرد سیستم نائل شد اما در نوع دوم از سیستم‌های پیچیده این موضوع متفاوت است. در نوع دوم سیستم‌های پیچیده، برهم‌کنش پویا بین احاد عناصر سیستم با یکدیگر و با محیط به طرز پیچیده است که نمی‌توان کل سیستم را با شناخت احاد اجزای آن مورد فهم قرار داد بلکه تعاملات اجزای سیستم در شبکه فضا و زمان دائماً اشکال و شرایط جدیدی را برای سیستم ایجاد می‌کند که آگاهی گریز است. از سیستم‌های پیچیده نوع اول می‌توان به یک فضاپیما اشاره کرد. در سیستم‌های پیچیده نوع دوم عناصر سیستم از نقش مکانیکی فراتر رفته و دارای نقش اجتماعی می‌شوند؛ در واقع متغیرهای اجتماعی و زمینه‌مندی در آن‌ها حضور دارند که دائماً با برهم‌کنش‌های غیرخطی و پیچیده، حالات و ویژگی‌های مختلفی را ایجاد می‌کند. وقوع اتفاقات غیرمنتظره و نو شونده غیر از آنچه در وضعیت بالفعل سیستم به صورت معمولی وجود دارد، همواره در این نوع از سیستم‌ها محتمل است (Luhmann & Albrow, 2013, P. 25).

### ۳-۴- نظریه جامعه کوتاه‌مدت

موقتی بودن یکی از ویژگی‌هایی محسوب می‌شود که می‌توان مبتنی بر آن به تفسیر و شناخت برخی از ابعاد مهم وضعیت فضا - زمان در گستره اجتماعی و سیاسی ایران مبادرت کرد؛ در همین راستا، دکتر همایون کاتوزیان، نظریه «جامعه کوتاه‌مدت» را در باب ایران مطرح می‌کند. مطابق

این نظریه، جامعه ایران دچار عدم انباشت فرهنگی، اجتماعی سیاسی و اقتصادی است؛ یا به عبارت دیگر جامعه‌ای کوتاه‌مدت است و در آن چشم‌انداز بلندمدتی چه در زندگی کلان و چه در زندگی خرد وجود ندارد. مطابق نظریه کاتوزیان، جامعه ایران در چشم‌انداز زندگی فردی و جامعه، موقتی است که این مسئله عدم استمرار در سطح جامعه و فرد را نشان می‌دهد. او معتقد است همه مناسبات فردی و اجتماعی در ایران بر اساس کوتاه‌مدت بودن جامعه طرح‌ریزی می‌شود که نتیجه آن عدم توسعه است یا به عبارت بهتر، کند شدن توسعه را در پی دارد. مبتنی بر این نظریه، در جامعه‌ای با چشم‌اندازهای کوتاه‌مدت، افراد از یک کوتاه‌مدت به کوتاه‌مدت دیگری می‌روند و هیچ‌گاه چشم‌اندازهای بلندمدت شکل نمی‌گیرد، البته در گستره زندگی اجتماعی ایرانی می‌توان به برخی از ابعاد مخالف با این نظریه نیز اشاره کرد، برای مثال نهاد خانواده، نهاد دین و برخی از نهادهای دیگر از جمله نهادهایی محسوب می‌شوند که از انباشت برخوردار هستند اما در موضوع نهاد حکمرانی و سیاست‌گذاری می‌توان تا حدود زیادی نظریه کاتوزیان را صائب دانست.

## ۵- تغییر شکل تهدید امنیتی ایران از جنگ نظامی به جنگ ترکیبی

هم‌زمان با پیچیده شدن معنای امنیت ملی، مفهوم جنگ نیز مفهومی چندوجهی و پیچیده شده و از شکل «جنگ نظامی» به «جنگ ترکیبی» یا «جنگ هیبریدی» تغییر شکل داده است. در جنگ هیبریدی، صحنه نبرد با استفاده از ترکیبی از ابزارهای مختلف نظامی و غیرنظامی (دیپلماسی، جنگ اطلاعاتی و پروپاگاندا، حمایت از ناآرامی‌ها و شورش‌های محلی، نیروهای نامنظم و چریکی، نیروهای ویژه، جنگ اقتصادی و حمله‌های سایبری) سامان یافته است. (Munich Security Report. 2015. P. 35). امروزه دیگر مفهوم بسیط و ساده گذشته - که جنگ کلاسیک در آن وجه غالب است - توانایی توصیف عرصه نبرد را ندارد؛ بنابراین در این عصر سخن از «جنگ ترکیبی» است. در نتیجه، امنیت ملی در عصر حاضر ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماع، اقتصادی و حتی زیست‌محیطی نیز یافته است. «آندرو کوریبکو»، نویسنده کتاب «جنگ هیبریدی: رویکردی برای تغییر نظام» معتقد است: نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای در حال شکل‌گیری است که هزینه‌های سیاسی و مادی برای انجام یک جنگ متعارف علیه برخی کشورها، هزینه سنگینی تحمیل می‌کند و به این ترتیب گزینه نظامی، جذابیت کمتری پیدا کرده و جنگ غیرمستقیم ارزش بیشتری در برنامه‌ریزی استراتژیک کسب می‌کند (Korybko. 2015. P. 9). در اینجاست که گزینه جنگ ترکیبی مطرح می‌شود. با توجه به آن که جنگ نظامی با ایران هزینه‌های بالایی دارد

و نتیجه آن نیز برای نیروی متجاوز مشخص نیست، مقامات آمریکایی نیز مدت‌هاست از جنگ نظامی با ایران استقبال نمی‌کنند. «رابرت گیتس» وزیر دفاع جورج بوش، در کتاب خاطراتش می‌نویسد: زمانی که ملک عبدالله به او می‌گوید که آمریکا به تأسیسات هسته‌ای و پایگاه‌های نظامی ایران حمله کند، او (گیتس) به شدت عصبانی شده و به عبدالله می‌گوید تا هنگامی که ایران به آمریکا و متحدانش در منطقه حمله‌ای نکرده؛ آمریکا در موقعیتی نیست که یک «جنگ پیشگیرانه» دیگر به راه اندازد (Gates, 2015, P. 185) «مایکل فلین» مشاور امنیت ملی سابق دونالد ترامپ نیز که خود سابقه حضور نظامی در عراق و افغانستان را داشته است و از شدیدترین مخالفان ایران است؛ نیز در کتاب «عرصه نبرد» صراحتاً مخالفت خود را با جنگ نظامی علیه ایران اعلام می‌کند و می‌گوید: مؤثرترین حمله آن چیزی که [آیت‌الله] خامنه‌ای از آن هراس دارد: درد و رنج توده مردم ایران است (Flynn, 2017, P. 175). او در ادامه می‌گوید: حمله ما باید سیاسی باشد و نه نظامی؛ بنابراین باید از اپوزیسیون نظام جمهوری اسلامی حمایت نمود. او معتقد است؛ بهترین راه مبارزه، نشان دادن عدم توفیق انقلاب به مردم ایران است (Flynn, 2017, P. 175). در ایران جدید الگوی تهدیدات امنیتی، از جنگ نظامی به سمت وسوی جنگ ترکیبی تغییر پیدا کرده است. تنوع حملات دشمنان جمهوری اسلامی ایران (اعم از حملات سایبری، حمایت از ناآرامی‌ها و شورش‌های داخلی، تحریم‌های اقتصادی، حمایت از نیروهای تجزیه‌طلب، فعالیت‌های دیپلماتیک جهت منزوی ساختن ایران و ...) مؤید آن است که الگوی تهدیدات امنیتی ایران به سمت «جنگ هیبریدی» پیش رفته است. «آندرو کوریبکو» معتقد است؛ نوع مواجهه آمریکا علیه ایران مبتنی بر الگوی جنگ هیبریدی است؛ و هدف آمریکا از این جنگ هیبریدی «بی‌ثبات‌سازی قدرت‌های بزرگ اوراسیا (روسیه، چین و ایران) و طولانی کردن برتری آمریکا بر ابرقاره است» (Korybko, 2015, P. 70).

## ۶- کاربست جنگ ترکیبی مبتنی بر چارچوب موقتی سازی حکمرانی

کار ویژه جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر رویکرد سیستمی، حمله کوانتومی مبتنی بر فضا - زمان به سیستم حکمرانی ایرانی برای موقتی سازی هر چه بیشتر آن است. هدف این فرایند استفاده از ابزارها و مؤلفه‌های مختلف و متنوع فشار برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران است به نحوی که بتوان با تأثیرات شناختی حاصل از فشار هم‌افزا و دردآور به ایجاد اختلال شناختی و سیستمی، تغییر رفتار و منطق تصمیم‌گیری و همچنین پیچیده سازی و بحرانی کردن حوزه حکمرانی ملی ایران و در نهایت انباشت زدایی از آن مبادرت کرد. عملیات‌های ترکیبی

مبتنی بر این چارچوب، تابع الگوهای کلاسیک سنتی و الگوهای پیشینی نیستند بلکه مبتنی بر الگوهای سیال و زمینه‌مند پسینی شکل می‌گیرند؛ در واقع الگوهای فشار مبتنی بر هر جامعه متفاوت خواهند بود. در این مسیر آسیب‌پذیری‌های جامعه ایرانی در ابعاد مختلف می‌تواند به‌عنوان نقطه شروع عملیات دشمن باشد. اگر معضله موقتی بودن حکمرانی را به‌مثابه یکی از مهم‌ترین آسیب‌های ملی و سیستمی ایران در نظر بگیریم، ضربات اولیه به سیستم جامعه ایران با پاسخ‌های موقتی و غیر سیستمی از طرف ساختار حکمرانی ایران مواجه می‌شود و بازیگر مهاجم نیز مبتنی بر این پاسخ به انباشت بیشتر یادگیری خود و تطور الگوی عملیات و تعمیق نقاط آسیب‌پذیری ایران می‌پردازد.

سیستم‌های پیچیده به دلیل آن‌که در محیطی کوانتومی و پویا در حال فعالیت هستند دارای چند قابلیت عمده می‌باشند: نخست آن‌که این نوع از سیستم‌ها در فضا - زمان معنا می‌شوند و به‌عبارت‌دیگر عناصر موجود در این نوع از سیستم‌ها در هر فضا و زمانی می‌توانند دارای خواص متفاوتی باشند و این خواص متفاوت در تعامل با دیگر عناصر نیز به شکل‌گیری اشکال و ابعاد متفاوتی ختم می‌شود؛ لذا سیستم باید اطلاعات مربوط به محیط و فرایندهای محیطی را دائماً مورد پالایش هماهنگ قرار داده و درک کند و آن را برای استفاده در آینده به حافظه بسپارد. از سویی دیگر سیستم باید بتواند در هنگام نیاز با پویایی‌های آنی و مبتنی بر یادگیری به انطباق خود با محیط و ورودی‌های جدید اقدام کند. اولین قابلیت را می‌توان تحت عنوان «نماینده‌گی» و قابلیت دوم نیز که مربوط به پویایی انطباق با محیط است با عنوان «خودسازمان‌دهی» شناخته می‌شود (Cilliers, 2002: P. 10). هجوم ترکیبی به ساختار حکمرانی ایرانی می‌تواند هر دو قابلیت نمایندگی تاریخی و خودسازمان‌دهی را با اختلال مواجه کند که نتیجه اختلال نمایندگی در انباشت گریزی زمانی و نتیجه اختلال خودسازمان‌دهی نیز علاوه بر تعمیق موقتی بودن حکمرانی به هم‌افزایی آشوب و مقاومت در برابر سیاست منجر می‌شود. نکته مهمی که در این پردازش ترکیبی از جنگ ترکیبی وجود دارد، کاربست آن در یک محیط خاکستری و شبه صلح است که باعث کاهش حساسیت و قدرت تصمیم‌گیری در جامعه هدف می‌شود.

#### ۶-۱- اختلال شناختی با عملیات خاکستری

یادگیری و انباشت، کلید برنده برای بازیگر مهاجم یا بازیگر موردحمله محسوب می‌شود. در خلال انباشت یادگیری برای بازیگر مهاجم نسبت به نقاط ضعف بازیگر هدف، این عزم مهم برای بازیگر مهاجم وجود دارد که با استفاده از منطقه خاکستری و عملیات روانی تا زیر آستانه جنگ به ایجاد فشار ترکیبی و در نهایت آشوب شناختی علیه بازیگر هدف مبادرت

و سیستم حکمرانی بازیگر هدف را از پاسخ منطقی منصرف کند. منطقه خاکستری محیط جنگ در زمان صلح محسوب می‌شود (Chambers, 2016). P. 4) و چون مبتنی بر ناخودآگاه سیستم عمل می‌کند می‌تواند با عدم حساسیت‌زایی برای سیستم به ایجاد آسیب‌های مختلف مبادرت کند. مبتنی بر منطقه خاکستری، عدم استفاده از زور صریح و طراحی مکانیزم‌هایی برای شرطی‌سازی، سلب مسئولیت از انجام اقدامات حساسیت‌برانگیز در فعالیت‌های نظامی و عملیات روانی و ارائه تصویر حقوق بشری از این فعالیت‌ها از اهمیت برخوردار است (AKGÜL, 2021. P. 412). ایجاد ابهام و رفع مسئولیت انتساب از نکات بسیار مهم و اساسی در منطقه خاکستری محسوب می‌شوند، منطقه‌ای که می‌توان آن را به‌عنوان بستر عملیات‌های روانی مدرن و جنگ ترکیبی نیز در نظر گرفت (Chambers, 2016. P. 1). بازی در زیر آستانه جنگ در عین طراحی جایگزین‌های جنگ باعث شرطی‌سازی سیستمی بازیگر هدف شده و عملاً دستگاه محاسباتی بازیگر هدف را با اختلال شناختی و تعمیق موقتی بودن مواجه می‌کند. این اختلال شناختی باعث ضربه زدن به توانایی سیستمی و قدرت تصمیم‌گیری ایران شده و آن را برای اعمال فشار و درد تدریجی فزاینده آماده می‌کند. این فرایند باعث می‌شود جامعه ایرانی آمادگی بیشتری برای تغییرات بزرگ و مطلوب بازیگر مهاجم پیدا کند. در سیستم کوانتومی، بازیگر هدف به شرطی می‌تواند موفق شود که از رفتار سیستمی و یادگیرنده بهره‌بردار. در واقع سیستم حکمرانی ایرانی در صورتی که با ایجاد شوک‌های متوالی و دردآور بازیگران غربی و مهاجم در منطقه حساسیت‌گریز و انباشت‌زدای خاکستری دچار اختلال در کنش و دوری از تفکر سیستمی شود شانس کمی برای پیروزی دارد. در این وضعیت حکمرانی ایرانی باید بتواند از رفتار سیستمی بهره‌بردار. در صورت عدم استفاده از رفتار سیستمی توسط بازیگر هدف، این بازیگر دچار مقاومت در برابر سیاست خواهد شد و این فرایند به تعمیق آسیب‌پذیری‌ها و افزایش موفقیت بازیگر عامل و کاهش بیشتر یادگیری بازیگر هدف منجر خواهد شد. این مهم مخصوصاً در جامعه ایرانی که در برخی از ابعاد سیاسی، نهادی و ساختاری از پدیده حکمرانی نفتی و موقتی بودن رنج می‌برد و قدرت انباشت و یادگیری زمانی آن دچار ضعف تاریخی هست از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین اهداف جنگ مدرن از جمله جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران را تعمیق همین نقطه آسیب‌پذیر دانست؛ در واقع جلوگیری از انباشت نهادی، اجتماعی و سیاسی در کشور، بهترین راه برای مقابله با تفکر سیستمی و موقتی نگه‌داشتن جامعه ایرانی و به‌تبع آن موفقیت در عملیات ترکیبی علیه کشور ایران است، فرایندی که مانع از حکمرانی موفق خواهد شد. از جمله مثال‌های مناسبی که در این زمینه می‌توان مدنظر قرار داد، موقتی بودن

برخی از نهادهای مهم و نیازمند انباشت در ساختار حکمرانی کشور است. برای مثال مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهاد تقنینی کشور ظرفیت و امکان تقنین انباشتمند، شفاف، منسجم و مبتنی بر اهداف و برنامه‌های توسعه را ندارد و به‌مثابه نهادی موقتی که تشکیل شده از افراد با تخصص‌های غیر هدفمند و بعضاً غیر مرتبط و دارای تعارض منافع است که نه از دل احزاب طولانی‌مدت انباشتمند، تربیت شده بلکه از فرایندی کوتاه‌مدت و غیر سیستمی و موقتی انتخاب می‌شوند. موقتی بودن بسیاری از نهادها و رویه‌ها باعث شده است تا معضلات حکمرانی رفته‌رفته از انباشت بیشتری برخوردار شوند. حتی بسیاری از تلاش‌های برای اصلاح وضعیت حکمرانی نیز به دلیل آن که پاسخ‌هایی غیرسیستمی محسوب می‌شوند به تعمیق مشکل و پدیده مقاومت در برابر سیاست منجر می‌شوند.

## ۶-۲- موقتی سازی و مقاومت زایی سیستمی

همه تصمیمات و رفتارها دارای تأثیر بر کل سیستم هستند و واکنش سایر عوامل سیستم را برای برگرداندن تعادل سیستم منجر می‌شوند. هر نوع رفتاری در سیستم اگر با توجه به آینده آن رفتار، نوع برهم‌کنش آن رفتار با پدیده‌های دیگر، تبعات و تحولات آن و... همراه نباشد می‌تواند باعث «مقاومت در برابر سیاست» شود، یعنی تمایل سیستم به تأخیر، تغییر یا شکست مداخلات توسط پاسخ سیستم به خود مداخله (Sternman, 199, p. 303) در صورتی که توانایی رفتار، تحلیل و پاسخ مبتنی بر یادگیری انباشتی دچار آسیب شود سیستم با اختلال موقتی بودن و مقاومت مواجه خواهد شد؛ در واقع در صورتی که سیستم نتواند از رفتارهای گذشته خود و بازیگران مختلف به یادگیری دست پیدا کند و عناصر خود را مبتنی بر یادگیری تاریخی منسجم کند با مشکل عدم نمایندگی دستچاگی، بی‌هدفی، تکرار اشتباهات و درجا زدن مواجه خواهد شد که راه را برای عملیات روانی و ترکیبی دشمن، بیش‌ازپیش مهیاتر می‌کند. ساختار حکمرانی ایرانی باید پاسخ‌های سیستمی به تهاجم‌های سیستمی ارائه دهد و در صورت عادت به ارائه پاسخ‌های غیر سیستمی به دلایل نظام انتخاباتی غیر انباشتمند، ساختارهای مبهم کنش سیاسی و به بهانه وجود شرایط آشوب، فوریت، موقعیت بحرانی و... آسیب‌پذیری‌ها تعمیق پیدا می‌کنند و چرخه جنگ ترکیبی و بحران حکمرانی تکمیل‌تر می‌شود؛ چرخه‌ای که عین و ذهن و تصویر و واقعیت را با هم مورد آسیب قرار می‌دهد. مقاومت در برابر سیاست وقتی به وجود می‌آید که مداخلات در سیستم بدون اطلاع از وضعیت، عناصر و الگوی رفتاری کل سیستم شکل بگیرد. ماحصل مقاومت در برابر سیاست شکل‌گیری آسیب‌پذیری‌های جدید در سیستم، تعمیق آسیب‌پذیری‌های پیشین، افزایش یادگیری بازیگر مهاجم نسبت به آسیب‌پذیری‌های بازیگر هدف و... خواهد شد. برای آشنایی بیشتر با دو نمونه از پدیده‌های مقاومت

در برابر سیاست می‌توان به سیاست‌های جمعیتی رومانی در دهه ۱۹۶۰ و سیاست‌های اقتصادی نیکسون در آمریکا در دهه ۱۹۷۰ اشاره کرد؛ لذا برای مقابله با هر عنصر و مؤلفه جنگ مدرن نمی‌توان صرفاً به شناخت آن مسئله به صورت مستقل و همچنین جدا از ساختارهای حکمرانی پرداخت، بلکه مسائل در جامعه کوانتومی و پیچیده حتی از تنیدگی جامعه شبکه‌ای نیز فراتر رفته و علاوه بر درهم‌تنیدگی مسائل و معضلات، باعث برهم‌کنش سیستمی آن‌ها و پیدایش آشوب سیستمی نیز شده است. لوییز بر این باور است که اگر قصد دارید چیزی را بهبود ببخشید پیش از هر کاری مجبور خواهید بود کل سیستم را بشناسید (استرمن، ۱۳۹۷، ص ۲۸-۲۰) و لومان بر این باور است که فقط پیچیدگی می‌تواند پیچیدگی را کم کند. (ریترز، ۱۳۹۷، ص. ۴۵۴).

## ۷- الزامات حکمرانی برای مقابله با جنگ ترکیبی

فشار جنگ ترکیبی بر روی نقاط ضعف حکمرانی ایرانی اجرایی می‌شود. موقتی بودن حکمرانی یکی از مهم‌ترین ضعف‌های داخلی و موقتی سازی نیز یکی از بهترین راهبردهای دشمنان ایران برای تثبیت تفکر غیر سیستمی در ساختار نهادی ایران است. در این راستا بازشناسی نهادی، بازشناسی الگوهای حکمرانی و رفتارهای اجتماعی مبتنی بر انباشتمندسازی، می‌تواند منشأ اثرات مثبت قرار بگیرد. به‌طور کلی و مبتنی بر مدل سیستمی ارائه‌شده، جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سه مؤلفه مهم قابل‌پردازش است. نخست: شناخت نقاط ضعف و آسیب‌پذیر حکمرانی، دوم: هجمه هم‌افزا و هدفمند مبتنی بر نقاط ضعف همراه با پردازش رسانه‌ای و خاکستری آن به‌منابسه بستر عملیات روانی و سوم: استفاده از پاسخ‌های غیر سیستمی ایران برای تعمیق آسیب‌پذیری‌های ایران و پیچیده‌تر کردن محیط حکمرانی؛ فرایندی که در نهایت به ایجاد شکست در حکمرانی ایرانی نظر دارد. در این فرایند بایسته است برای رویارویی سیستمی با جنگ ترکیبی دشمن، چند آموزه مهم را مدنظر قرار داد:

**۷-۱- رفتار در درون شبکه کوانتومی:** فضا و زمان می‌تواند در درون سیستم و در برهم‌کنش با سایر پدیده‌ها و عناصر به‌شدت از حالت اولیه خود دور شده و دارای خواص، تأثیرات و ویژگی‌های متفاوتی شود. در این زمینه، امور مربوط به واقع و امور مربوط به تصویرپردازی از واقع از اهمیت برخوردار است. در واقع رفتارهای حکمرانی باید به نحوی باشد که در سیستم حکمرانی کوانتومی بتواند مقاومت در برابر سیاست به وجود نیابد. از سویی دیگر رسانه‌ها و اصولاً مدیریت تصویر و ادراک از نقش مهمی برخوردارند و بازیگران داخلی باید به آن توجه داشته باشند تا در تله محیط خاکستری قرار نگیرند. در عصر مدرن و در تفکر سیستمی ذات و واقعیت یک کنش از اهمیت

برخوردار است اما برساخت آن و تصویر ارائه‌شده از آن نیز به‌شدت از اهمیت برخوردار است. برای مثال در این زمینه می‌توان به هواپیمای اوکراینی یا برخی از انتصابات دولتی محل پرسش برای مردم رجوع کرد. در هواپیمای اوکراینی خلأ و ابهام اخبار و روایت رسمی باعث پیدایش روایت‌های جایگزین شد و طبیعی است که روایت‌های جایگزین می‌توانند در ادامه با همراه کردن مخاطب به قضاوت‌ها و احساسات او و همچنین در اعتبارسنجی منابع در دسترس او تأثیرگذار باشند. تراکم پرسش‌ها و ابهامات مردم نسبت به نهادها، کنش‌ها و اقدامات دولتمردان و... می‌تواند عملیات ترکیبی را پیچیده و پیچیده‌تر کند و مانعی باشد برای انباشتمند کردن اعتماد سیاسی برای حکمرانی اجتماعی. در این راستا پاسخ‌های شفاف و اطلاع‌رسانی مسئولانه از اهمیت زیادی برخوردار است. برای مثال ابهام و پرسش درباره مافیای صنعت خودرو و کیفیت پایین خودروهای داخلی در کنار آمار وحشتناک کشته‌های حوادث رانندگی، عدم تطابق قدرت و پاسخگویی برخی از افراد و مسئولان، شفاف نبودن برخی از نهادها و مقاومت در برابر شفافیت، اکراه جوانان نسبت به اجباری بودن مسئله سربازی و مقایسه آن با اوضاع متفاوت کشورهای دیگر و... نیز در این دسته قابل‌پردازش است. در این زمینه یکی از موضوعاتی که همواره به‌عنوان بستر عملیات روانی دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرد چرایی کمک ایران به حوزه مقاومت در منطقه است. باینکه جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلفی باید به این حمایت ادامه دهد اما چرایی این موضوع هنوز هم برای بسیاری از مردم روشن نیست و منافع ملی هنوز به‌صورت مستدل مورد وفاق عموم جامعه مدنی قرار نگرفته است. پرسش دیگری نیز از همین جنس است و آن چرایی ارتباط مستقیم برقرار نکردن با آمریکا و دم زدن از گفتمان مقاومت است. باینکه گفتمان مقاومت بر پایه‌های عقلی و مستدلی واقع‌شده است اما جامعه تصویری از این فرایند مستدل ندارد. هنوز هم در ذهن بسیاری این پرسش وجود دارد چرا باید در جهان مدرن که عصر همکاری‌های بین‌المللی است از مقاومت حرف زد؟ تصویری از ایران در فردای مقاومت در ذهن مخاطب ایرانی وجود ندارد و این خلأ تصویر، فضا را برای کنشگری مسموم دشمنان باز کرده است.

**۷-۲- شفافیت در حکمرانی:** یکی از بهترین راه‌های بهبود تفکر سیستمی است. ارائه داده‌ها و اطلاعات در بستر اجتماعی علاوه بر آن که می‌تواند از شبکه اجتماعی و جامعه مدنی به‌عنوان یک‌نهاد مستحکم نظارتی استفاده کند، می‌تواند در کاهش فساد و افزایش سرمایه اجتماعی و همچنین اعتماد عمومی در بلندمدت مؤثر باشد. شفافیت و اطلاع‌رسانی آزاد اگرچه ممکن است با حواشی موقتی نیز مواجه باشد اما در طولانی‌مدت کمک خواهد کرد تا یادگیری سیستمی، بهبود حکمرانی، کاهش فساد، اعتبار منابع داخلی و همچنین کاهش نفوذ بازیگران خارجی در محیط اطلاع‌رسانی

داخلی از وضعیت بهتری برخوردار شود، فرایندی که عملاً عملیات روانی و نبرد ترکیبی دشمن را با موانع جدی مواجه خواهد کرد. در این بین می‌توان بر روی الگوهای حکمرانی مبتنی بر زنجیره بلوکی توجه داشت.

**۷-۳- بایسته است بازیگران عرصه سیاست و حکمرانی:** همواره نگاهی سیستمی به مسائل، برنامه‌ها و اقدامات خود داشته باشند و از ساده‌سازی مسائل و عادت به راه‌حل‌های موقتی و عجولانه خودداری کنند. جنگ ترکیبی و انواع دیگر جنگ‌های مدرن از بستری اجتماعی و پیچیده برخوردار هستند و بدون توجه به بستر اجتماعی نمی‌توان به مقابله با این نوع از نبردها رفت، به همین دلیل بهبود فضای حکمرانی به مثابه بستر مهم جریان قدرت سیاسی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های برای مواجهه با عملیات ترکیبی دشمن محسوب می‌شود. مسئولان و صاحبان تربیون‌ها در همه سطوح باید با فضای شبکه‌ای رسانه و حکمرانی در فضای مدرن آشنا باشند. این که یک اقدام و یا یک جمله از یک مسئول می‌تواند در شبکه برهم‌کنش پیچیده تصویر و عملیات روانی به چه چیزی تحول پیدا کند و چه تبعاتی داشته باشد از جمله نکاتی است که باید مطمئن نظر قرار بگیرد. پخش شدن فایل صوتی آقای ظریف در این باره می‌تواند مثال مناسبی از پیچیدگی این فرایند باشد.

**۷-۴- یادگیری، خودسازمان‌دهی و نمایندگی:** از جمله نکات مهم در طراحی تفکر سیستمی و مقابله با جنگ ترکیبی دشمن است. یادگیری سیستمی زمانی اتفاق می‌افتد که کنش سیاسی در بستر حزب، آموزش و ارزیابی درست و انتقال زمانی تجربه صورت بگیرد و فرد رأی‌دهنده نیز مبتنی بر رقابت ایده‌ها وارد کنش رأی‌دهی شود نه مبتنی بر فضای هیجانی تبلیغات.



سال اول، شماره ۴،  
تابستان ۱۴۰۱  
بایسته‌های حکمرانی  
در جمهوری اسلامی  
ایران برای مقابله با  
جنگ هیبریدی

## نتیجه‌گیری

موقتی سازی حکمرانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مزیت‌های دشمنان برای پیچیده سازی محیط حکمرانی ایرانی و به شکست کشاندن آن در جنگ ترکیبی محسوب می‌شود. این پژوهش مبتنی بر این مفروضه و بر اساس پاسخ به این پرسش طراحی شد که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمنان باید چه الزاماتی را به کار گیرد؟ جنگ ترکیبی در فضای پیچیده و تحولات اجتماعی مدرن به مثابه یک جنگ همه‌جانبه مدنظر قرار دارد و بیانگر پویایی پیچیده و خاص نبردهای مدرن است، نبردهایی که مبتنی بر برهم‌کنش‌های کوانتومی با شاخصه فضا و زمان، می‌توانند سیستم زیست و حکمرانی بازیگر هدف را با اختلال مواجه کنند. در این بین جامعه ایرانی که از معضله موقتی بودن حکمرانی رنج می‌برد، در معرض هجوم ترکیبی و انباشت‌زدای دشمن قرار دارد. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و مفاهیمی

که بایسته است در مواجهه با نبرد ترکیبی دشمنان ایران مورد استفاده قرار بگیرند و از موفقیت برخوردار باشند، بازطراحی سیستمی نهاد و روش حکمرانی ایرانی مبتنی بر شفافیت، انباشتمندی و یادگیری است؛ به نحوی که معضله تاریخی موقتی بودن نهاد حکمرانی در ایران را با طراحی حکمرانی سیستمی و داده محور مبتنی بر شفافیت و یادگیری مورد اصلاح قرار دهد.



سال اول، شماره ۲،  
تابستان ۱۴۰۱  
بایسته‌های حکمرانی  
در جمهوری اسلامی  
ایران برای مقابله با  
جنگ هیبریدی

## منابع

- احمدی، فیروزه، مشهدی، علی، عطریان، فرامرز (۱۴۰۰). تحول در مفهوم حکمرانی؛ گذار از حکمرانی سنتی به حکمرانی مدرن الکترونیک. تهران: انجمن فقه جزای تطبیقی، پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای، شماره ۶. بردبار، غلام‌رضا، ضرابی‌زاده، شیما، صالحی، طاهر (۱۳۹۴). ارائه الگوی حکمرانی خدامدار. تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، دو فصلنامه مدیریت اسلامی، شماره ۲.
- بوزان، باری (۱۳۹۱). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ثمودی پیله‌رود، علیرضا. (۱۳۹۹). جنگ هیبریدی روسیه در کشورهای اروپایی؛ چرایی و چگونگی. نشریه مطالعات راهبردی، شماره ۸۹، ۲۰۴-۱۷۳. جمعی از نویسندگان (بی‌تا). سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تحولات راهبردی ۱۳۹۹. چشم‌انداز ۱۴۰۰، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حبی، محمدباقر و حاتمی، حمیدرضا (۱۳۸۸). بررسی شیوه‌های عملیات روانی علیه ایران از نظر نیروهای نظامی. نشریه روانشناسی نظامی، شماره ۳۳-۱، ۴۲-۳۴ (حبی و حاتمی، ۱۳۸۸: ۳۴)
- راجی، محمدهادی و افتخاری، اصغر (۱۳۹۸). جنگ ترکیبی غرب در برابر جمهوری اسلامی ایران (تحلیل ابعاد و روش‌ها). مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۰۹، ۱۱۱-۷۵.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه هوشنگ نایبی. تهران: نشر نی.
- ساعی، علی و روشن، تینا (۱۳۸۹). تحلیل درک کیفیت حکمرانی در ایران. تهران: انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۱.
- سلیمانی، غلامحسین و دیگران (۱۳۹۷). جنگ‌های هیبریدی و راه‌های مقابله آن، [بی‌جا]: مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی امنیت، پیشرفت و توسعه پایدار مناطق مرزی، سرزمینی و کلان‌شهرها، راهکارها و چالش‌ها با محوریت پدافند غیرعامل و مدیریت بحران.
- شکری، حشمت‌الله. (۱۳۹۸). رویکرد آمریکا به جنگ هیبریدی علیه جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات راه رشد.
- قجری، علی، نوربخش، یونس (۱۴۰۰). مطالعه نسبت مدل حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با مدل حکمرانی خوب، تهران: سازمان بسیج اساتید، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۱ (۱۷ پیاپی).
- کاتوزیان، همایون (بی‌تا). کتاب الکترونیکی «ایران، جامعه کوتاه‌مدت»؛

روایتی تازه از توسعه نیافتگی در ایران، کوریبکو، اندریو (۱۳۹۹). جنگ روانی و تحریم‌های گسترده دو مؤلفه اصلی جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران است، مصاحبه با باشگاه خبرنگاران جوان، مشاهده شده در بهمن ۱۴۰۰، نشانی اینترنتی: <https://www.yjc.news> VIXO/۰۰.

محمودی کیا، محمد: ارسال قربانی شیخ‌نشین (۱۳۹۷). جهانی شدن دین در مدل مکانیک کوانتومی سیاست بین‌الملل، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۳، ۱۲۹-۱۰۷.

مزند، سید علی (۱۴۰۰). سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران: مسئله‌ها و بایسته‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۱۰۸.

مزند، سید علی (۱۴۰۰). نقش رهبری در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۹۴.

میدری، احمد (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، رفاه اجتماعی، شماره ۲۲.

ونت، الکساندر (۱۳۹۸). ذهن کوانتومی و علوم اجتماعی، ادغام هستی‌شناسی مادی و اجتماعی، ترجمه الهام حیدری. تهران: نشر علم.

AKGÜL, F. (2021). A Comparison between the Concepts of Gray Zone and Hybrid War: What is New for International Security?. *Güvenlik Stratejileri Dergisi*, 17(38), 411-439.

Bevir, M. (2012). *Governance: A very short introduction*. Oxford University Press.

Chambers, J. (2016). *Countering Gray-Zone Hybrid Threats: An Analysis of Russia's «New Generation Warfare» and Implications for the US Army*. US Military Academy-Modern War institute West Point United States

Cilliers, P. (2002). *Complexity and postmodernism: Understanding complex systems*. routledge.

Coleman, R., Ringrose, J. (2013). *Deleuze and research methodologies*. Edinburgh University Press.

Dalton, M. G. (2017). How Iran's hybrid-war tactics help and hurt it. *Bulletin of the Atomic Scientists*, 73(5), 312-315.

Debenedictis, K. C. (2019). *Russian «hybrid warfare» and the annexation of Crimea: the modern application of Soviet political warfare* (Doctoral dissertation, King's College London).

Dennis, J. K. (2020). The Kantian Effect: Reconceiving the Integration of Knowledge in Interdisciplinary Theory. *JIS*, 4.(2).



سال اول، شماره ۲،  
تابستان ۱۴۰۱  
بایسته‌های حکمرانی  
در جمهوری اسلامی  
ایران برای مقابله با  
جنگ هیبریدی